

تبیین عقلانی امامت توسط امام رضا(ع)/ هجرت تمدن ساز ثامن الائمه

یک کارشناس تاریخ اسلام گفت: تا قبل از امام رضا (ع) عمدتاً با ادله نقلی مباحث امامت، تبیین می شد، ولی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) عمدتاً با دلایل عقلی بحث امامت و ولایت را طرح می کنند.



یک کارشناس تاریخ اسلام گفت: تا قبل از امام رضا (ع) عمدتاً با ادله نقلی مباحث امامت، تبیین می شد، ولی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) عمدتاً با دلایل عقلی بحث امامت و ولایت را طرح می کنند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: امامت و ولایت همواره از دیرباز به عنوان دال محوری اندیشه شیعه مطرح بوده، این در حالی است مباحث امامت پیش از همه در دوران امام رضا (ع) مطرح گشته و تبیین عقلانی پیدا کرد. فهم این رویداد بدون آشنایی با بستر سیاسی-فرهنگی زمان امام ممکن نخواهد بود. در این زمینه با دو تن از کارشناسان تاریخ اسلام به گفتگو نشستیم ایم که در ادامه می خوانید؛

رضا ایراندوست، استاد رجال و تاریخ حوزه و دانشگاه درباره بسترهای اجتماعی دوران امام رضا (ع) به خبرنگار مهر گفت: ما رقابتی دیرینه میان بنی هاشم و بنی امیه را حتی قبل از بعثت نبی مکرم اسلام داریم. پس از بعثت پیامبر اسلام (ص)، در جنگ هایی مانند بدر و احد که شاهد هستیم بنی امیه و بنی هاشم هرکدام در یک طرف هستند و عملاً شمشیر میان این دو طایفه کشیده می شود تا آنکه با فتح مکه و اسلام آوردن ظاهری آنان این وضع خاتمه می یابد و بنی امیه با عبارت انتم الطلقاء تحقیر می شوند، اما با خلیفه دوم و سوم شرایط تغییر می کند و زمینه قدرت یابی اینها فراهم می شود تا آنکه پس از امیرالمومنین (ع) دوران محنت بنی هاشم آغاز می شود و بنی امیه بر رأس می نشینند. با انحطاط بنی امیه، بنی عباس که شاخه ای از هاشمیون هستند، با شعار دفاع از مستضعفین بنی هاشم روی کار می آیند. با خلافت یافتن آنها شروع به حذف رقبا کرده و خود را خلیفه پیامبر معرفی می کنند. می دانید که خلیفه پیامبر باید دارای نسبتی با رسول گرامی اسلام باشد و برای همین به معاویه خال المومنین می گفتند تا نسبتی با رسول گرامی اسلام پیدا کند.

تا قبل از امام رضا (ع) عمدتاً ما با ادله نقلی مباحث امامت را تبیین می کردیم، ولی در زمان امام رضا (ع) عمدتاً با دلایل عقلی امام از ولایت خود دفاع می کرد. ما بیش از ۴۹۰ روایت از حضرت در خصوص امامت داریم که تا پیش از ایشان چنین چیزی مطرح نبوده است

وی افزود: در زمان سفاح اولین خلیفه خون ریز بنی العباس بزرگان شام می آمدند و قسم می خوردند که نمی دانستیم پیامبر فامیلی جز بنی امیه دارد. کار امام کاظم و همچنین ائمه پیش از ایشان در این شرایط تحکیم معنای اهل بیت بود که اهل بیت به چه کسانی می گویند، اما شرایط سیاسی-اجتماعی زمان امام رضا (ع) اینگونه است که بنی هاشم دارای نسبت عموزادگی با رسول گرامی اسلام بودند و این اهرمی برای ایجاد مشروعیت و فشار به امام قرار می گرفت. شرایط در این زمان از دو جهت سخت تر از قبل بود، نخست آنکه بنی هاشم نسبتی مشخص با رسول خدا داشت و نمی شد با تحکیم معنای اهل بیت مردم را هشیار کرد و از طرفی شاهد سختگیری های دیگری مانند زندان و تبعید نسبت به اهل بیت بودیم. در این شرایط تنها رقیب بنی العباس فرزندان حضرت ابوطالب هستند. بنی عباس به قدری از فرزندان ابوطالب را شهید کردند که کتابی با نام مقاتل الطالبین به منظور احصا نام فرزندان جناب ابوطالب که توسط بنی عباس شهید شدند نوشته شده است.

ایراندوست ادامه داد: در واقع از زمان هارون مشاهده می کنید که خلفای بنی عباس بسیار با ظاهر سازی و مخفیانه ائمه ما را شهید می کنند. البته به علت هزینه اجتماعی و سیاسی قتل ائمه آشکارا اینکار را نمی کردند. بعد از شهادت امام کاظم (ع) پیکر ایشان را بر روی پل بغداد گذاشتند که همه ببینند که پیکر سالم است تا کسی نگوید که ایشان را شهید کردند. حتی در برخی منابع شیعی و اهل سنت که نگاه کنید از عبارت رحلت برای ائمه ما استفاده شده است. خود مأمون پس از شهادت امام رضا (ع) چندین روز برای ایشان در انظار عمومی گریه می کند. این مطالب را بیان کردیم تا بدانیم که جنس و رویکرد حاکمیت جدید چیست.

وی در پاسخ به پرسشی درباره طرح مسأله ولایتعهدی توسط مأمون گفت: این زیرکی مأمون است که امام را ولیعهد خود قرار می دهد. در ظاهر این اقدام مأمون یعنی در آن حالت اگر از دنیا می رفت امام باید خلیفه می شد، اما این زیرکی مأمون بود. ما از زمان شهادت امام حسین (ع) قیام های شیعی داریم که محرک آن خون حضرت سید الشهدا

است و این قیام‌ها هرگز قطع نمی‌شود. بعد از قیام مختار ما قیام زبیدی و اسماعیلیه را داریم که سرکوب‌های خیلی جدی نسبت به آنها اعمال می‌شد. مأمون به جهت آنکه امام را داخل در امر خلافت نشان دهد و از این طریق مشروعیت پیدا کند، امام را ولیعهد خود قرار می‌دهد تا شورش‌ها را کم کند. در واقع مأمون به جهت رهایی از شورش‌ها اینکار را انجام می‌دهد. روایتی در عیون اخبار الرضا ذکر شده که هدف مأمون از زبان وی چنین بیان می‌شود: «مأمون گفت ما اورا بدین جهت ولیعهد خواندیم تا مردم را به سمت ما فرا خواند و به سلطنت ما اعتراف کند و شیفتگانش بدانند که او آنچنان که می‌گویند نیست و ترسیدیم اگر اورا به حال خود بذاریم شکافی در کار ما ایجاد کند.» این را باید بدانید که کار مأمون با چنان ظاهر سازی انجام می‌شود که برخی از تاریخنگاران شیعی به اشتباه می‌افتند که آیا مأمون حضرت را به شهادت رسانده، حتی در منابع تاریخی اهل سنت به جهت ولیعهد قرار دادن یک علوی او را شیعی معرفی کرده‌اند و این نشان از بازی زیرکانه مأمون است.

در برابر این طرح هوشمندانه ولایتعهدی توسط مأمون، حضرت رضا (ع) ابتدا از آمدن به خراسان سر باز زدند. امام تا جایی با مأمون مخالفت کردند که وی کسی را موظف ساخت تا امام را به اجبار به خراسان بیاورند

این کارشناس تاریخ اسلام اظهار داشت: در برابر این طرح هوشمندانه مأمون، حضرت رضا (ع) ابتدا از آمدن به خراسان سر باز زدند. امام تا جایی با مأمون مخالفت کردند که وی کسی را موظف ساخت تا امام را به اجبار به خراسان بیاورند. اقدام دیگر امام این بود که به همه نشان دادند که این سفر عاقبت خوبی ندارد. در جلد ۲ کتاب عیون اخبار الرضا در صفحه ۲۱۸ حضرت در خصوص سفر خود چنین می‌فرماید که: «خواستند مرا از مدینه بیرون کشند همه خانواده خود را گرد خود نشاندم و گفتم برای من گریه کنند تا صدای گریه آنان را بر خودم بشنوم و سپس دوازده هزار دینار سهم نزد من بود میان ایشان تقسیم کردم و گفتم دیگر باز نخواهم گشت.» اما در نهایت حضرت را از مدینه خارج کردند و از مسیری ایشان را به خراسان آوردند که هیچکدام از شیعیان امام را نیندند. امام که به خراسان رسیدند مأمون درخواست سپردن خلافت را مطرح می‌سازد، ولی امام اکره می‌کنند و در نهایت مأمون ولایتعهدی را مطرح می‌سازد. نکته مهم آن است که مأمون این اقدامات خود را در راستای احقاق حق هاشمیون نشان می‌داد، از همین رو مردم را همواره در جلسات حاضر می‌کرد، اما این اقدام با روشنگری‌های امام ضایع شد. برای نمونه در صفحه ۱۶۴ جلد ۲ کتاب عیون اخبار الرضا نقل شده است که امام در یکی از این مجالس اینگونه می‌فرماید که: «به درستی که وی (مأمون) عهد خود را به من واگذارده و خلافت و امارت را پس از خود به من سپرده، پس هر کس عقد و پیمانی را که خداوند به حفظ و نگهداری آن امر فرموده بگشاید و گره&film; ای را که خداوند محکمی آن را خواسته سست کند و بشکند، حریم خدا را ناچیز گرفته و تعدی نموده و شکسته و محرمات الهی را حلال دانسته است، زیرا بدین کار، حق پیشوا را ضایع کرده و امرش را اطاعت نموده و به اسلام و آئین خداوند بی&film; حرمتی کرده است، چنان که در گذشته این کار صورت گرفت (حرمت وصایت رسول خدا صلی الله علیه و آله نگهداشته نشد) و شخص وصی بر آن ناکاراییها و اعمال خلاف صبر نمود و پس از آنهم در دوران قدرت متعرض آن نشد از بیم آنکه میادا تفرقه ایجاد شود و اسلام سست گردد و رشته وحدت و اتحاد مسلمین بگسلد، زیرا که افکار زمان جاهلیت در مغزها باقی بود.» در واقع امام با این کلمات خلافت را متعلق به اهل بیت معرفی کرده و اقدام مأمون را نوعی اعتراف به اشتباه غصب خلافت جلوه می‌دادند. هنگامی که از امام (ع) می‌پرسند چرا ولایتعهدی را پذیرفتید، می‌فرمایند به همان دلیل که جدم در شورای خلافت قرار گرفت. در واقع امام میان قبول ولایتعهدی و کشته شدن مجبور به انتخاب شدند.

وی افزود: اقدام دیگر حضرت برای ناکام گذاشتن مأمون در هدفش، قرار دادن شرایطی است که همه می‌دانید از جمله آنکه امام صرفاً مورد مشاوره بوده و هیچ گونه عزل و نصب و مدیریتی نداشته باشند. در واقع این شروط یعنی پذیرفتن عنوانی تو خالی که هیچ ثمره‌ای برای مأمون ندارد. در واقع این سمت را پذیرفتند در حالی که گویی اصلاً نپذیرفتند.

دوران امام رضا (ع) زمان اوج حضور فرقه‌های مختلف اعتقادی است؛ سه جریان اصلی کلامی آن برهه یعنی معتزله، اهل حدیث و امامیه بزرگترین جریان‌های این برهه است؛ سه جریان اصلی کلامی آن برهه یعنی معتزله، اهل حدیث و امامیه

ایراندوست درباره وضعیت فرهنگی-علمی زمان امام رضا (ع) و فعالیت‌های ایشان به خبرنگار مهر گفت: این دوران زمان اوج حضور فرقه‌های مختلف اعتقادی است؛ سه جریان اصلی کلامی آن برهه یعنی معتزله، اهل حدیث و امامیه بزرگترین جریان‌های این برهه است. مأمون به صورت جدی در مسائل کلامی درگیر می‌شود و به طرفداری از یک جریان، جریان دیگر را زندان می‌اندازد. از مباحث کلامی پر حرارت در آن برهه امام، توحید به ویژه صفات خداوند و جبر و اختیار است. در زمان مأمون ما نهضت ترجمه را داریم. این ترجمه‌ها خود شبیهات و مباحث کلامی دیگری را ایجاد می‌کند. این اختلافات در میان خود شیعیان هم مطرح بوده است؛ برای نمونه در توحید صدوق صفحه ۳۳۸ برنظی خطاب به امام می‌گوید در میان اصحاب بر سر جبر و اختیار بحث در گرفته. مناظره‌های کلامی مأمون در چنین فضایی حرارت پیدا می‌کند. مأمون تصور نمی‌کرد امام در مناظره با تمام بزرگان فرقه‌های کلامی پیروز شود از همین رو برای شکستن

مقام و منزلت امام مجالس مناظره را ترتیب می داد. در واقع یک بار شکست امام کافی بود برای تحقیر ایشان در دید شیعیان. تا قبل از امام رضا (ع) عمدتاً ما با ادله نقلی مباحث امامت را تبیین می کردیم، ولی در زمان امام رضا (ع) عمدتاً با دلایل عقلی امام از ولایت خود دفاع می کرد. ما بیش از ۴۹۰ روایت از حضرت در خصوص امامت داریم که تا پیش از ایشان چنین چیزی مطرح نبوده است. البته بعدها مأمون چون شیفتگی مردم به امام را می دید، جلسات را محدود و تعطیل کرد و این موجب شد که امام او را نفرین کند و در نهایت همین اتفاق ها بستر بروز دشمنی آشکار مأمون و شهادت حضرت را فراهم ساخت.

حجت الاسلام حجت گنابادی نژاد به مناسبت ولادت امام رضا (ع) در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: دوره حیات و امامت حضرت علی بن موسی الرضا (ع) یک دوره بسیار تعیین کننده و سرنوشت سازی در تاریخ اسلام و تشیع است. حضرت رضا (ع) در بسط و گسترش معارف اهل بیت غیر از اینکه بر حقانیت مکتب اهل بیت عصمت و طهارت در این فرصت خیلی تأکید داشتند که یک قلم آن مناظرات علمی است که ایشان با اندیشمندان و دانشمندان ادیان و مذاهب مختلف داشتند. دو موضوع خیلی ویژه مورد توجه حضرت بود؛ یکی عقلانیت دینی و دیگری تقویت جریان اعتقادی ای که مردم آن زمان و مسلمانان باید به آن مسلح می شدند.

رئیس سازمان فرهنگی آستان قدس افزود: روایتی از حضرت علی بن موسی الرضا (ع) است که خیلی روایت مشهوری هم است: «صَدِيقُ كُلِّ اِمْرِي عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ». دوست هر کسی عقل اوست و دشمن او جهلش است. این جمله یک راهکار و راهبردی برای جریان علم آموزی و معرفت افزایی است و همچنین یک راهبردی است برای مبارزه با جهل، جهالت، خرافه و مسائلی که در ذیل جهل جا می گیرد.

وی ادامه داد: روایت خیلی خوب دیگر که از حضرت علی بن موسی الرضا (ع) داریم این است: «قَابَ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا». اگر مردم خوبی های کلام و معارف ما را مطلع شوند، هر آینه اطاعت و تبعیت می کنند. ان شاءالله دهه کرامت و ایام میلاد ایشان یک مجالی باشد برای همه ما که با چنین آرمان ها و سفارش ها و یادگارهای معرفتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) بیش از گذشته انس بگیریم و تجدید میثاق داشته باشیم و ان شاءالله به این راه خدمت داشته باشیم.

گنابادی نژاد اضافه کرد: حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در دوران خلفای عباسی بودند. به طور مشخص مأمون که یک فرد زیرک، سیاستمدار و پیچیده ای به لحاظ شخصیتی بود. او طراحی کرد که حضرت علی بن موسی الرضا (ع) را با هجرت شأن از مدینه به سمت مرو و خراسان محدود کند و با سلطه و سیطره ای که دارد با کنترل حضرت رضا (ع) فعالیت های حضرت را محدود کند و عملاً باعث سرکوبی و محدود شدن شیعیان و به ویژه علویان شود. علویان در آن زمان فعال بودند و قیام هایی را علیه عباسیان داشتند.

امروز ما اگر در ایران اسلامی به محبت به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و مکتب ائمه اطهار (ع) مفتخریم و در دوره اخیر شاهد پیروزی انقلاب اسلامی و ارزش های انقلابی در این سرزمین هستیم که متأثر از مکتب اهل بیت (ع) است، بدون تردید این ها را مرهون حضرت رضا (ع) و هجرت تمدن ساز ایشان هستیم

وی سپس گفت: حضرت علی بن موسی الرضا (ع) ابتدا از پذیرش این هجرت امتناع کردند تا اینکه رسماً از طرف مأمون تهدید شدند. بعد از تهدید، حضرت پذیرفتند و عملاً در این سفر تحمیلی از مدینه تا مرو تمام مسیر را که آمدند توانستند جبهه ای را علیه مأمون و خلیفه عباسی به وجود بیاورند و با انعکاس و فشار نارضایتی خودشان مجموعه مردم را علیه خلفای عباسی تحریک و حساس کنند. بعد از اینکه در مرو مستقر شدند باز پیشنهاد ولایت عهدی به ایشان شد. ایشان ابتدا نپذیرفتند تا اینکه باز از طرف مأمون تهدید به قتل شدند.

گنابادی نژاد در ادامه اظهار داشت: حضرت علی بن موسی الرضا (ع) مشروط بر شرایطی ولایت عهدی را پذیرفتند و یکی این بود که حضرت رضا (ع) در امور اجرایی هیچ گونه مداخله ای نداشته باشد و اینکه در مسائل مبتلا به که به ایشان مراجعه می شود ایشان بتوانند بر اساس آرا و اصول دین و شریعت اسلامی اظهارنظر داشته باشند. در دوران ولایت عهدی مأمون نقشه ای داشت و آن اینکه بتواند به حسب تلقی خودش با آلوده کردن حضرت علی بن موسی الرضا (ع) به جریان خلافت آن زمان، اولاً حضرت را از آن قداست و اثرگذاری که در بین مردم داشتند بیاندازد.

وی همچنین عنوان کرد: از طرفی مأمون قصد داشت مجموعه قیام هایی که علیه خلفای عباسی بود را بتواند کنترل کند که بگوید امام شما الآن در جایگاه ولایت عهدی است شما برای چه اعتراض دارید. مأمون نقشه کنترل و محدودیت سازی حضرت رضا (ع) و شیعیان را دنبال می کرد. به حول قوه الهی با تدبیر حضرت رضا (ع) این نقشه مأمون هم نقش

بر آب شد و یک فرصت جدیدی در اختیار حضرت رضا (ع) قرار گرفت که عملاً آثار و برکاتش در آن زمان به نفع شیعیان و علویان تمام شد.

گنابادی نژاد یادآور شد: امروز ما اگر در ایران اسلامی به محبت به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و مکتب ائمه اطهار (ع) مفتخریم و در دوره اخیر شاهد پیروزی انقلاب اسلامی و ارزش های انقلابی در این سرزمین هستیم که متأثر از مکتب اهل بیت (ع) است، بدون تردید این ها را مرهون حضرت رضا (ع) و هجرت تمدن ساز ایشان هستیم. من بر این باورم که سنگ بنایی که حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در این منطقه گذاشتند و مهندسی که حضرت علی بن موسی الرضا (ع) برای بسط و گسترش فرهنگ و معارف شیعه و اهل بیت (ع) پایه گذاری کردند، این همان مبنا و مسیری است که ان شاءالله ما را در رسیدن به تمدن نوین اسلامی کمک خواهد کرد.

وی در پایان گفت: همان طوری که ما با تمسک و توسل به حضرت رضا (ع) و سیره ایشان توانستیم انقلاب اسلامی را به پیروزی برسانیم و ۴۰ سال را با دستاوردهای خیلی خوب پشت سر بگذاریم، ان شاءالله رسیدن به تحقق تمدن نوین اسلامی هم با سیره حضرت رضا (ع) و با افق آرمان ها و معارف رضوی قریب باشد و به زودی قابل تحقق باشد.